



«**مرحوم آیت‌الله سید عبدالله فاطمی** نیا بر پایه معرفت شهودی که داشت، فرمود: «هرکس با رهبر انقلاب مخالفت کند خدا از او نمی‌گذرد. هرکس کوچک‌ترین حرفی در تضعیف مقام رهبری بزند، هرکس اندیشه‌ای داشته باشد که ضد مقام رهبری است خدا او را نخواهد بخشید.» برخی از مدعیان دینداری گمان کرده‌اند که چون انسان غیرمعصوم و جایز‌الخطا است، شایسته نیست که او را ستایش و تقدیس کرد؛ ستایش و تقدیس راه نقد را می‌بندد. در حالی که دامن علمای ربانی اهل خشوع و خضوع از ستایش و تقدیس و تملق‌گویی حاکمان به دور است. اگر آنان تبعیت و پیروی از ولی فقیه عادل را بر مردم توصیه می‌کنند، از روی چاپلوسی و سخن پادشاهان نیست. چنین تلقی‌ای از این بزرگان تهمت و افترا بی‌بیش نیست. جفایی بالاتر از این نیست که اهل حق را به چنین اوصافی توصیف کرد. آنان از روی سلوک انفسی است که ولی فقیه را چنین توصیف کرده‌اند

و غره شدن و مدعی به معلومات ظاهری خود سرانجام نیکی نخواهد داشت. او از عالم ربانی مستبدهانی می‌خواهد هر آنچه او می‌بیند یا درک می‌کند، عالم ربانی نیز باید بپذیرد و با او هم‌سخن شود. اگر از نگاه او ولی فقیه در موضعی محکوم به نقد است، عالم ربانی هم باید به آن نقد معترف باشد و حق ندارد خلاف آنچه مدعی می‌پندارد، داوری کند. این چنین رویکردی، استبدادی است در پوستین دموکراسی خواهی.

۴ حقیقت آن است که اهل شهود درباره حاکم شرع عادل، سخنان زیادی دارند ولی چون پیروی مدعیان دینداری ظاهرگرا را دارند، از بیان و توصیف همه آن حقایق سر باز می‌زنند. مدعیان فقهی‌گرا بزرگترین مانع کشف اسرار و بیان حقایق هستند بنابراین تنها عده کمی از اهل شهود بافت می‌شوند که شمه‌ای از معرفت شهودی‌شان را بیان می‌دارند. به عبارت دیگر، اهل شهود در بیان اسرار حقایق با دو مانع بزرگ روبرو هستند: نخست، مانعیت سلاطین جور و جباران و دیگری، قشرین از اجتماع دینداران و البته مانعیت ظاهرگرایان خیلی بیشتر از مانعیت سلاطین جور است. از همین رو است که اهل شهود نمی‌توانند با مدعی گفت‌وگو کنند. **بامدعی مگویید اسرار عشق و مستی** **تأیی خبری میرمیرد در درد خودپرستی**

خاص همچون بعضی از استادان و نخبگان را مخاطب قرار می‌دادند. به همین دلیل، گاهی مسائل را در لفافه و با ظرافت و هنرمندی خاصی به مخاطب خاص خود می‌رساندند؛ در عین حال که برای مخاطب غیرتخصصی و عام هم ابهام ایجاد نمی‌کردند. آنجایی که لازم بود به صراحت مطالب و اظهارنظر خود را بیان می‌کرد و اگر تشخیص می‌داد بیان صریح ممکن است در مخاطب واکنش منفی ایجاد کند می‌کوشید تا با صمیمیت در گفتار، مخاطب را به پذیرش مطلب برساند. به تعبیری، «صمیمیت در ارتباط با مخاطب» یکی از اصلی‌ترین دلایل نفوذ کلام این عالم دینی بود. از این جهت، ایشان در کار وعظ، یک الگوی تمام‌عیار بودند. **■ در مورد ایشان گفته می‌شود که «منبرهای کردارشان» فراتر از «منبرهای گفتارشان» اثرگذاری داشت. چقدر این التزام به «حکمت عملی»، کلام ایشان را اثرگذارتر می‌کرد؟**

همانطور که اشاره کردید ایشان اهل عمل بود. در حقیقت انطباق «گفتار» با «کردار» نکته‌ای است که در قرآن کریم اشاراتی به آن شده است و در روایات بسیاری هم بر ضرورت این انطباق تأکید می‌شود. همان‌طور که اشاره کردید، ایشان اهل عمل و التزام بود و مطالبی را از روی تصنع و تظاهر بیان نمی‌کرد. اهل صدق و صفا بود و مخاطب در لحظه به این شناخت از او می‌رسید. اهل غلو نبود و مخاطب را در یک بسستر اندیشه‌ورزانه و فکورانه رشد می‌داد. گاهی بیانی که ارائه می‌داد را با نوعی احتمال طرح می‌کرد



نقدی بر اظهارات اخیر مهدی نصیری درباره آیت‌الله فاطمی نیا

بامدعی مگویید اسرار عشق و مستی

علی محمدی / ایران

هفته‌ای تشریف آوردند قم، جمعیت زیادی برای استقبال آمده بودند در خیابان‌ها. آیت‌الله بهجت هم آمدند جزو جمعیت استقبال کنندگان. حالا یک مرجعی در سن خاَمنه‌ای کبیر (متع‌الله‌الاسلام والمسلمین بطول بقاءه الشریف) قائد ولی وفی، و راند سانس حفی، مصداق بارز «ترفع درجات من نشاء» می‌باشد. عزت و شوکت روزافزون آن قائد اسوه زمان را همواره از حقیقه‌الحقایق مسألت دارم و امیدوارم دادار عالم و آدم همواره سالار و سرورم را سالم و مسرور دارد. مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی که گفته می‌شود رابط میان مرحوم آیت‌الله بهجت و مقام معظم رهبری بودند، درباره توجهات خاص ایشان به رهبری نکاتی را بیان فرموده است. از آیت‌الله مصباح یزدی نقل شده است که: «برای بیعت رفته بودم خدمت آقا، ولی، خدا را شکر دست خالی نرفتم چون آیت‌الله بهجت یک نامه چهار صفحه‌ای برای حضرت آقا که تازه رهبر شده بودند، نوشتند که شروع نامه هم این بود که بنده انتصاب حضرتتعالی را به سمت مقام ولایت و رهبری تریبک عرض می‌کنم و بعد شروع کرده بودند که حالا دیگر وظایف شما این است.» یکی از علمای حوزه (حجت‌الاسلام و فقیهی اصفهانی) چنین نقل کرده است که: «چند سال پیش که آیت‌الله خاَمنه‌ای یک

۲. مرحوم آیت‌الله سید عبدالله فاطمی نیا بر پایه معرفت شهودی که داشت، فرمود: «هرکس با رهبر انقلاب مخالفت کند خدا از او نمی‌گذرد. هرکس کوچک‌ترین حرفی در تضعیف مقام رهبری بزند، هرکس اندیشه‌ای داشته باشد که ضد مقام رهبری است خدا او را نخواهد بخشید.» او در بیان این سخن هم خدا را و هم مردم را گواه گرفته است که ذره‌ای حب دنیا در او نیست که چنین می‌گوید. این سخن، اختصاص به ایشان ندارد تا در آن تردید کنیم. عالمان ربانی با فضیلت‌تر دیگری هم بودند که همین معنا را ابراز داشته‌اند. وقتی از مرحوم آیت‌الله حق‌شناس رضوان‌الله‌تعالی علیه‌می‌پرسند که نظراتان درباره آیت‌الله خاَمنه‌ای چیست، پاسخ دادند: «نگویید آیت‌الله خاَمنه‌ای بگویید آیت‌الله‌العظمی خاَمنه‌ای. آیت‌الله خاَمنه‌ای علمدار است، نرسید چه کسی اعلم است، بگویید چه کسی علمدار است. علمدار را باید حفظ کرد.» جمله معروفی از مرحوم آیت‌الله حسن‌زاده املی نقل است که فرموده‌اند: «گوش‌تان به دهان رهبر باشد. چون ایشان گوش‌شان به دهان حجت‌بن‌الحسن (عج) است.» همچنین آن مرحوم در پی سفر رهبر معظم انقلاب به شهرستان آمل در سال

۱. مرحوم آیت‌الله فاطمی نیا عمری را در زهد و پارسی‌گذازی گذراند تا اینکه به وقت رسیدن اجل، دعوت حق را لبیک گفت و به لقاءالله بیوست رحمت‌الله علیه. او در میان مردم زیست و مردم از او جز پارسا منشی و خشیت و تواضع برابر عظمت خدا و مواعظ ربانی چیز دیگری ندیدند و نشنیدند. او نزد مردم به عالمی خاشع و راستگو و راست کردار و در یک کلام به مرد خدا شهرت یافته است. اگرچه مردان خدا آفاقی و به لسان قوم‌شان موعظ می‌کنند؛ لکن حقایق عالم را به قدر سعه وجودی‌شان، انفسی و شهودی درک می‌کنند و می‌فهمند و خطا در فهم شهودی راه ندارد. آن مردی که قرآن کریم از او یاد می‌کند که چگونه از دورترین نقطه شهر نزد مردم می‌آید تا از آنان بخواهد از رسولان تبعیت کنند، یکی از همان مردان خدا بود که مبتنی بر کشف و شهود، مردم خود را موعظ کرد. اگر او اهل شهود نبود؛ معلوم نبود که قرآن کریم از او یاد می‌کرد. چنانکه درک امام خمینی (ره) از حقایق عالم بویژه زیست جهان سیاست، انفسی و شهودی بود ولی با مردم به لسان قوم خود سخن می‌گفت. به همین خاطر، از بیان پاره‌ای از حقایق پرهیز می‌کرد. چنانکه ایشان تفسیر سوره حمد را به همین دلیل ادامه نداد.

گفت‌وگو با حجت‌الاسلام علی ذوعلم، رئیس پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

نقش سنت و وعظ در فرهنگ‌سازی

آیت‌الله فاطمی نیا از منبر به مثابه رسانه‌ای برای ارتقای فرهنگ دینی بهره می‌گرفت

مهسا رضانی

خبرنگار

آیت‌الله سید عبدالله فاطمی نیا، از نسل واعظان اثرگذاری است که از منبر به مثابه یک «رسانه» برای فرهنگ‌سازی و ارتقای فرهنگ دینی بهره می‌گرفت. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین علی ذوعلم، رئیس پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و معاون پژوهش و آموزش مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، «نقش سنت و وعظ در فرهنگ‌سازی و سهم آیت‌الله فاطمی نیا در چنین سنتی» را به تأمل گذاشتیم. ذوعلم در این گفت‌وگو به «ویژگی‌های مخاطب‌شناسی عمیق آیت‌الله فاطمی نیا» اشاره می‌کند که تأثیرگذاری منبرهای ایشان را دو چندان کرده بود.

■ استاد ذوعلم، به اعتقاد شما، سنت و وعظ و خطابه چه سهم و نقشی در فرهنگ‌سازی و اعتلای فکری و فرهنگی یک جامعه دارد؟ بیان حقایق، تکرار و تذکر آنها نه تنها در یک جامعه که در زندگی هر فردی می‌تواند جهت‌دهنده و مؤثر باشد. وعظ و خطابه را هر دو هم‌امکان الهی و مخصوص قرآن کریم است. قرآن کریم در بخش‌های بسیاری و به شکل پیوسته‌ای وعظ می‌کند که به‌عنوان مثال در راه خدا قیام کنید. اما در کنار قرآن و مکاتب الهی، پیامبران (ص) نیز در مقام وعظ قرار می‌گیرند؛ چراکه آنان نیز از روی خیرخواهی آنچه را که مورد نیاز مخاطب معاصر‌شان می‌دیدند، به آنان تذکر می‌دادند و راه سعادت را برایشان هموار می‌کردند. اما این سنت، تنها اختصاص به مکاتب الهی، کتاب‌های آسمانی، پیامبران و ائمه ندارد بلکه از آن به‌عنوان یک مسئولیت اجتماعی یاد شده و دستور داده شده که هر فرد مسلمان در حدی که می‌تواند باید به دیگران در قالب وعظ کمک کند. بنابراین «موعظه» با توجه به کاربستی که

کردند، از ایشان به‌عنوان «عالم واعظ درس آموز» یاد کردند. نفس این ترکیب، قابل توجه و تأمل است و باید به کنه آن توجه داشت. واقعیت این است که گاهی پند و اندرز صورت می‌گیرد اما آن موعظه، از عقبه فکری و مطالعاتی چندانی برخوردار نیست و به همین دلیل، ممکن است به رشد و تعالی فکری مخاطب کمک نکند و صرفاً یک تذکر و یادآوری سطحی و صوری باشد. اما مرحوم استاد فاطمی نیا «واعظی درس آموز» برای مخاطب عام و خاص بود و به همین دلیل وعظ ایشان جنبه «الگوسازی» داشت؛ چراکه نکات زیادی در سیره و روش وعظ مرحوم فاطمی نیا بود که برای دیگرواعظ می‌توانست درس آموز باشد. بنابراین، اثرگذاری آیت‌الله فاطمی نیا، در فرهنگ‌سازی بواسطه عقبه فکری و مطالعاتی خطابه‌ها و موعظه‌هایی که داشتند و همچنین بهره‌گیری همزمان از رسانه، محافل و منبرها بسیار قابل تأمل است. **■ «مخاطب‌شناسی» آیت‌الله فاطمی نیا چقدر مسیر هدایت و راهبری را که ایشان سرلوحه خود قرار داده بود، هموار می‌کرد؟**

همانطور که اشاره کردید، ایشان به «ظرفیت مخاطب» توجه ویژه‌ای داشت و نیاز مخاطب را بدرستی تشخیص می‌داد؛ هم نیاز مقطعی و فوری بنا بر مقاطع و برهه‌های زمانی خاص و هم نیازهای اساسی، ریشه‌ای، اخلاقی و معنوی که یک جامعه به آن نیاز دارد. می‌خواهم بگویم مواعظ ایشان، ناظر به نیازهای زمان و جامعه بود؛ بدین معنا که در



khamenei.ir

استاد آیت‌الله فاطمی نیا یک عالم و واعظ فراجناحی بود اما همواره «موضع انقلابی» خود را حفظ می‌کرد. از شجاعت و شهامت بالایی در بیان نظرات و برداشت‌های خود برخوردار بود. به همین دلیل وعظ ایشان جنبه «الگوسازی» داشت؛ چراکه نکات زیادی در سیره و روش وعظ مرحوم فاطمی نیا بود که برای دیگر واعظ می‌توانست درس آموز باشد. اثرگذاری آیت‌الله فاطمی نیا در «فرهنگ‌سازی» بواسطه عقبه فکری و مطالعاتی خطابه‌ها و موعظه‌هایی که داشتند و همچنین بهره‌گیری همزمان از رسانه، محافل و منبرها بسیار قابل تأمل است. اما همواره «موضع انقلابی» خود را حفظ می‌کرد و از شجاعت و شهامت بالایی در بیان نظرات و برداشت‌های خود برخوردار بود. ایشان هم مخاطب عام، اعم از توده مردم و جوانان را مدنظر داشتند و هم مخاطب

مقابل هجوم فکری و رسانه‌ای که دشمنان انقلاب دارند، همواره موضع‌گیری می‌کردند و روحیه، منشی و دغدغه‌های انقلابی ایشان برای مخاطب مشهود بود. ضمن اینکه، ایشان یک عالم و واعظ فراجناحی بود